



۲۰۱۷/۰۳/۱۱



دوکتور فقیرچند چندیوک

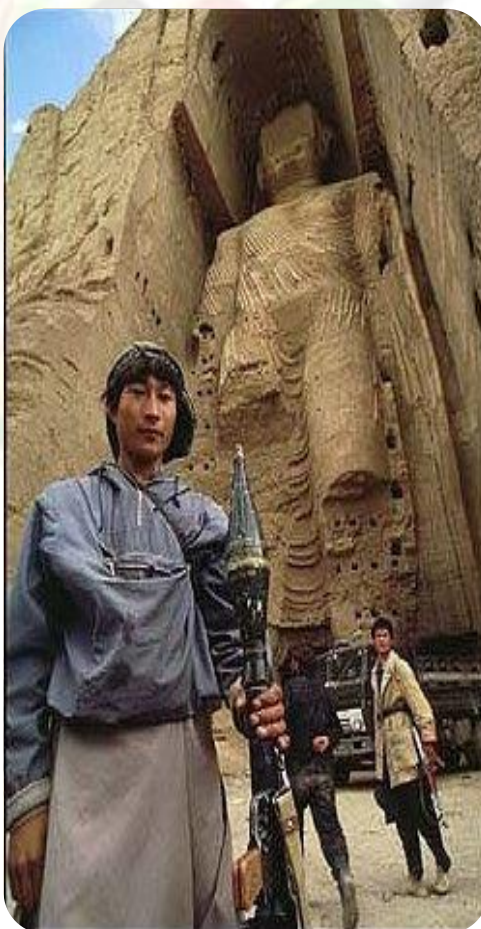
بودا، طالبان و دولت فعلی

یازدهم مارچ مصادف است با روز سیاه و تاریکی که طالبان و وابستگان بنیادگرای شان با خشونت و فرهنگ ستیزی مجسمه های پرشکوه و با عظمت بودای بامیان را فروپاشیدند. این کار نهایت ننگین، فرهنگ کشی و تجاوز به دیگر باور ها و مذاهب جهان است. طالبان با انجام این عمل بی شرمانه نه تنها مورد انزجار و نفرت وسیع مردمان جهان قرار گرفته بلکه در تاریخ برای همیشه نام و شیوه حکومتداری شان به خط سیاه مانده گار شد.

بودا...

شهر Lambini واقع منطقه هند طلایه ای درخسید روشنتر خانواده سلطنتی این منطقه بود. بودا شهرت پیدا کرد، گذاشتند. شهزاده سیداتاگوتاما، تا نعمت در قصر سلطنتی یک انسان بیمار، یک انسان انسانی که مرده بود، به تفکر انسان و زندگی اش پر از رنج مقام گذرایی را دارد. وی در درد و راه رهایی انسان از جلال آسایش و آرایش ملکوتی روانه دریافت حقیقت گشت.

مصائب و تکالیف گوناگون حتی تا سرحد مرگ گرفت. نرسید. بناءً از آن دست کشید. درختی از نوع جنس «بودهی»



در حدود ۲۵۶۰ سال قبل در سرحدی بین کشورهای نیپال و از آفتاب و آن تولد پسری در اسم این نوزاد را که بعداً به Siddhattha Gotam عمر ۲۹ سالگی به ناز و پرورش یافت. ولی حین دیدن خیلی پیر، و بالاخره با دیدن عمیق فرورفت. متوجه شد که و آلام است. خوشبختی و لذت جست و جوی اسباب این رنج آنها برآمد. وی قصر، جاه، را ترک کرد، راهب شد و در اوایل خویشتن را دچار جسمی ساخت روزه دوامدار ولی از این عمل به نتیجه ای پس از تعمق فراوان در زیر

نشست و به ریاضت طولانی و عمیق پرداخت و پس از ۶ سال متواتر در سن ۳۵ سالگی به حقیقت و مفهوم فلسفی آن رسید و آنرا درک کرد و از آن پس به بُدها (بودا) (کسی که از خواب بیدار گشته) معروف شد. وی ۴۵ سال عمر بقیه خویش را در تبلیغ و ترویج عقایدش صرف کرد.

بودا به کوچه و بازار، در شهر و ده و در همه جا بین مردم رفت و درک خویش را از حقیقت با توضیح فلسفه آن بیان داشت.

چهار اصل فلسفی بودا عبارت اند از:

- ۱- ukha (دوکها) رنج و مصائب
- ۲- Tanha (تانها) خواهشات نفسانی
- ۳- Nirvana (نروانا) رهایی از Dukha و Tanha

جهت رسیدن به رهایی هشت اصل ذیل اند:

- فکر سالم،
- گفتار سالم،
- عملکرد سالم،
- زندگی و حیات سالم،
- عزم سالم،
- تمرکز فکری سالم،
- ذخیره فکری سالم،
- درک سالم.

به عقیده بودا هر عملی را که انسان انجام میدهد، در نتیجه آن پاداش آنرا خواهد گرفت. به پندار وی این پاداش و نتیجه خواه در زندگی فعلی ویا در زندگی آینده پس تولد دوباره به انسان میرسد.

بودا به پیروانش همواره مراتب زیرین را تاکید میکرد:

- ۱- -عدم خشونت و کشتار (اهمسا)
- ۲- - نداشتن حق تصاحب چیزی از دیگران که به آنها داده نتوانی یا واگذاشت نکرده بی.
- ۳- -منع مناسبات جنسی نامشروع
- ۴- -منع گفتار غلط که سبب ناراحتی دیگران شود.
- ۵- -منع استعمال مواد نشه آور.

او در دوران زندگی اش لقب مهاتما (روح بزرگ) را از طرف مردم دریافت کرد و به نام "مهاتما بُدها" شهرت پیدا کرد. بودا نه تنها به توضیح حقیقت و درک فلسفی پرداخت بلکه در برابر نابرابری های اجتماعی زمان خویش قدامت کرد و همه مردم را یکسان و برابر میدانست. او زنان را نیز در سیستم راهبی پذیرفت و حرمت زن را با مردان مساوی اعلام کرد.

عقاید بودا بر علاوه آن که در هندوستان شهرت و وسعت یافت تدریجاً در طی قرون متمادی از سرحدات هند خارج شده به نیپال، برما، چین، کوریا، جاپان، تایلیند، ویتنام، لاوس، کمپودیا و سایر قسمت های جنوب شرق آسیا و

افغانستان و سوریه رسید. البته انتشار و ترویج عقاید بودا در جهان کاملاً به گونه‌ی مسالمت آمیز و بدون کدام لشکری و توسل به خشونت صورت گرفته است.

به قول Mr.HU SHIH سفیر دولت چین مقیم ایالات محده آمریکا "هند طی ۲۰ قرن کشور ما را از لحاظ عقیدوی اشغال کرده است بدون آنکه یک عسکر خویش را در سرحدات ما پیاده کرده باشد."

بودا و پیروانش در عرصه‌ی تبلیغ و ترویج عقاید شان هیچ نوع سپاه و لشکر و سرلشکر نداشته اند، فاتح و فتوحات نداشته اند غازی و شهید نداشته و چورچپاول نکرده اند و به زور سرنیزه باور خویش را بالای دیگران تعمیم ننموده، از کسی باج و جزیه نگرفتند، بلکه به مقام انسان و انسانیت ارج فراوان گذاشته و برای رهایی انسان از رنج و عذاب شیوه‌های معین فلسفی را پیشنهاد کرده اند.

در دوران سلطنت خاندان موری در هند - در عصر چندراگوپتا و بعداً در زمان آشوکابودیزم به خطه باستانی افغانستان آن هنگام رواج پیدا کرد که در زمان کوشانی‌ها تمدن بودایی به اوج و عظمت خویش رسید. برخی مؤرخین به این پندار اند که آیین بودا از افغانستان برین به کشور های همجوار راه یافته و مکتب هنری گانداهارا و تمدن گانداهارا در منطقه بی نظیر بوده اند.

شهر باستانی بامیان که به قول بعضی از مؤرخین در آن زمان حدود اضافه از ۳۰ کیلومتر مربع را داشت در سر راه کاروان های ابریشم قرار داشت که چین، هند و اروپا را باهم وصل میساخت. در همین زمان بود که اختلاط کلتوری، مذاهب، فلسفه، معماری، و نقاشی و مجسمه سازی بودایی و یونانی بوجود آمد.

هیونتسانگسیاح معروف چین در راه سفر به هند ازین شهر دیدن کرده تمدن بزرگ و با عظمت آن را ستوده است که در آن هنگام مرکز بزرگ فرهنگی و مذهبی بودایی - یونانی بوده است. این شهر در قرن ۹ میلادی پس از هجوم و لشکرکشی فاتحان اسلام به ویرانه و به خاک تبدیل گشت.

تا دوران طالبان مجسمه های بودای بامیان و قتاوقتاً مورد تجاوز در زمان زمامداری شاهان و سلاطین مختلفه افغانستان، قرار گرفته است. از جمله در زمان سلطان محمود غزنوی و امیر عبدالرحمن خان قسمت های دست و ناحیه پیشانی و قسمت روی مجسمه ها از بین برده شد. در زمان سلطنت محمد ظاهرشاه آلت تناسلی تندیس بودا از بین برده شد.

البته در حفظ، مراقبت و نگهداشت این گنجینه بزرگ و گرانبهای ملی که عضوی میراث فرهنگی جهان شناخته شده بود، به استثنای دوران جمهوری محمد داؤد خان در دیگر دوره ها هیچ نوع توجه ای و اقدامی صورت نگرفته است.

طالبان...

در دوران حکومت طالبان (امارت اسلامی افغانستان) ابتداء تبلیغات وسیع در زمینه به راه انداخته شد که تمام آثار و شواهد غیر اسلامی در افغانستان باید از بین برده شوند. از جمله موزیک، سپورت، هنر مجسمه سازی، رسامی و عکاسی و غیره و غیره. همه این ها غیر اسلامی پنداشته شده و فوراً ممنوع اعلان شدند. حتی میله باستانی و عنعنوی «نو روز» تجلیل نشد.

در ماه مارچ ۲۰۰۱ شورای علمای کرام و ستره محکمه امارات اسلامی افغانستان اعلان داشت که تمام مجسمه ها در داخل خاک افغانستان غیر اسلامی اند و باید تخریب شوند. وکیل احمد متوکل وزیر خارجه امارت اسلامی افغانستان طی مصاحبه ای با ManinichiShimbin جاپان گفت: "ما مطابق به قوانین اسلامی مجسمه های بودای بامیان را تخریب میکنیم. این یک امر حتمی و مذهبی است."

مگر زور قالب ندارد!

به تاریخ ۶ مارچ ۲۰۰۱ به قول روزنامه لندن تایمز امیرالمومنین ملا محمد عمر آخند اظهار داشت "مسلمانان باید به تخریب و از بین بردن مجسمه ها و بت ها افتخار کنند. الله برای ما رسالت داده است تا آنها را تخریب و از بین ببریم."

سرانجام پس صدور فتوا توسط ۴۰۰ نماینده علمای کرام که از سراسر افغانستان جمع شده بودند، و با تأیید امر و فرمان امیرالمومنین، باوجود مخالفت وسیع و سریع اکثریت مردم جهان تاریخ یازدهم مارچ ۲۰۰۱ تندیس های بودای بامیان را منفجر ساختند.

این عمل ننگین که در حقیقت عمل ترور فرهنگ و عدم تحمل مذهبی و توهین به مقدسات سایر دینانت هاست، توسط دولت امارت اسلامی افغانستان، با پشتیبانی مخفی باداران بین المللی شان (پاکستان و برخی کشور های عربی) اجراء شد.

این انحصارگران اصل خدایپرستی و رفتن به جنت، با این عمل بی شرمانه و غیر انسانی شان به دست آوردهای پدران و نیاکان خویش یورش برده و بروی شان تف انداختند و این عمل شرم آوری خویشرا پاکسازی افغانستان از غیر اسلام و بت پرستی نام نهادند.

قابل توضیح میدانم که هرگاه سایر گروپ های افراطی در جنگ افغانستان همچو عمل را قبلاً انجام نداده بودند دلیل آن این است که ایشان هرگز چنان قوی نبوده اند تا حداکثر خاک افغانستان را تحت کنترل و اداره میداشتند ورنه به طور یقین به انجام اینعمل جاهلانه قبل از طالبان متوسل می شدند.

پس از حادثه شوم یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ رژیم طالبان در کابل سقوط کرد و طالبان و رهبران دلیرشان همچو موش ها به انبار های پاکستان پناه برده و از آن جا در کمین انسان کشی و ترور ادامه میدهند. طالبان در تخطی از حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق اقلیت های ملی و مذهبی به طور عام و در تخطی و تجاوز به حقوق اقلیت های مذهبی غیر اسلام افغانستان به طور خاص، دست هتلر را از پشت سر بسته و نام فاشیست های مذهبی را بخود کمای کردند.

دولت فعلی...

پس از سقوط طالبان اگرچه در اوایل خوشبینی هایی در مورد اعاده و تعمیر دوباره مجسمه های بودای بامیان با کمک و مساعدت دول خارجی بخصوص کشورهای جاپان و سویس و مؤسسه یونسکو به میان آمد ولی متأسفانه این پروژه روی ملحوظات سیاسی و تبلیغاتی به تعویق افتاده و در عوض از کمک های مالی جهانی هرچه بیشتر در راه های دیگر استفاده به عمل آمد.

یک تعداد عاملین حادثه تخریب و نابودکردن مجسمه های بودای بامیان همین اکنون عضو پارلمان افغانستان اند از جمله مولوی محمد اسلام محمدی والی ولایت بامیان در زمان طالبان، مولوی وکیل احمد متوکل وزیر خارجه طالبان و ملا راکتی قوماندان و آدم خور معروف طالبان میباشند.

نقطه مهم و قابل ذکر که وجوه اخلاقی مهم را در برابر جهانیان و بخصوص به پیروان بودا دارد این است که بعد از نابودی مجسمه های بودای بامیان ازین عمل شرمناک هیچیک از رهبران طالب ها، خواه به دولت فعلی تسلیم شده اند ویا نشده اند و هیچیک از رهبران جهادی و قیادی، هیچیک از دیموکرات ها و رهبران دولت فعلی در برابر جهان و بخصوص بوداییان معذرت و عذرخواهی نکرده اند. در حالیکه در ارتباط به حوادث زندان گوانتانامو و چاپ کاریکاتورها، اعتراضات توأم با خشونت در سراسر افغانستان به وقوع پیوست.

من مخالف هر نوع عملی که سبب توهین و جریحه دار ساختن احساسات، مقدسات و عقاید مذهبی انسانها شود، میباشم. ولی کاملاً واضح بگویم آنانیکه به بالادستی خویش فکر می کنند دچار کبر و نخوت اند صرفاً طوریک

جانبه به خود و مقدسات خویش احترام گذاشته و به مقدسات مذهبی دیگران ارج نمی گذارند، حق به جانب نمی شمارم.



دوران چهارسال پس سقوط رژیم طالبان نشان داده است که نابودی جسمی طالبان بدون نتیجه خواهد بود اگر در نابودی فکری و افکار طالبی مجادله و مبارزه قاطع صورت نگیرد.

باوجود کمک های هنگفت مالی جهانیان به افغانستان، متأسفانه دولت از طریق رسانه های گروهی از قبیل رادیو، تلویزیون، اخبار، سیستم تعلیمی مکاتب و پوهنتون ها در مساجد و تکایا و در محافل گردهمایی های مردم هیچ نوع کار و توجه در تبلیغ و ترویج فرهنگ تحمل، برده باری، پلورالیستی مذهبی و همزیستی انسانها با عقیده و مذاهب مختلفه مبذول نداشته و دراین زمینه کدام پروگرام معینی ندارد. قانون اساسی کشورما نیز این خلی بزرگ را محتوی است.

اگر درین مسیر کار وسیع و دوامدار صورت گرفته و اذهان عامه مردم روزتاروز روشن ساخته شود به یقین میتوان گفت که به زودی افغانستان از حلقه افراطی گرایی و محافظه کاران به قطار کشورهای شامل خواهند شد، که در آن همه اتباع آن به طور عملی باهم مساوی حقوق بوده و ارزش های دیموکراسی و سکولاریزم و پلورالیزم برخوردار اند.

با استفاده از:

۱- Antony Flangani, Buddhism, StepbyStep

۲- Wikipedia thefreeencyclopedia,encyclopedia, Buddhas foBamian

با تشکر از ویساست وزین کابل ناتھ